

بازار ارز در تسخیر ریسک‌های ژئوپلیتیک و انتظارات تورمی

## شمارش معکوس برای دلار ۲۰۰ هزار تومانی!

گروه اقتصاد: بازار ارز در میانه اردیبهشت ۱۴۰۵، بیش از هر زمان دیگری به میدان سنجش انتظارات، ریسک‌های بیرونی و بی‌اعتمادی‌های انباشته بدل شده است. دلار که در معاملات روز سه‌شنبه ۱۵ اردیبهشت در محدوده ۱۷۹ هزار و ۵۰۰ تومان نرخ خورده، در فاصله‌ای نه‌چندان طولانی از اسفند ۱۴۰۴ که روی ۱۳۶ هزار و ۲۵۰ تومان قرار داشت، جهشی قابل توجه را تجربه کرده و اگر مقیاس مقایسه به ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۴ با نرخ ۸۱ هزار و ۳۲۰ تومان بازگردد، ابعاد این رشد به مراتب چشمگیر تر می‌شود. بازار، اکنون نه صرفاً با یک نوسان قیمتی، بلکه با بازتعریف سطح تعادلی دلار روبه‌روست، سطحی که به‌باور فعالان اقتصادی، دیگر صرفاً از عرضه و تقاضای روزانه تبعیت نمی‌کند و بیش از هر چیز از اخبار نااطمینان‌ساز، ریسک‌های منطقه‌ای، رفتار معامله‌گران احتیاطی و انتظارات تورمی فرمان می‌گیرد.

در چنین فضایی، هر خبر از تنش در منطقه، هر سیگنال متناقض از سمت سیاست‌گذار و هر شایعه درباره محدودیت‌های احتمالی در مسیرهای حیاتی تجارت و انرژی، می‌تواند به‌سرعت به موتور محرک نرخ تبدیل شود. تنگه هرگز در روزهای اخیر به یکی از مهم‌ترین متغیرهای روانی بازار ارز بدل شده متغیری که حتی اگر اثر عملی فوری بر جریان تجارت نگذارد، به‌تنهایی برای تحریک انتظارات و تغییر سمت‌وسوی معاملات کافی است. در این میان، پرسش اصلی این است: آیا دلار در آستانه تثبیت در سطوح بالاتر قرار گرفته یا هنوز امکان بازگشت به میانه کانال‌های پایین‌تر وجود دارد؟



## بازار ارز؛ جایی که خبر از نرخ جلومی‌زند

رفتار دلار در روزهای اخیر نشان داده بازار ارز بیش از آنکه به داده‌های قطعی اقتصادی واکنش نشان دهد به تصویر آینده واکنش نشان می‌دهد؛ تصویری که فعلاً تار، پرابهام و متناثر از ریسک‌های چندلایه است. بازگشایی دلار روی سطح ۱۸۸ هزار تومان و عقب‌نشینی موقت آن تا دو هزار تومان پایین‌تر، در نگاه اول نشانه‌ای از تعادل نسبی عرضه و تقاضا بود. اما همین که اخبار مربوط به تنش در تنگه هرگز تقویت شد، نرخ باز دیگر به کانال ۱۸۸ هزار تومانی برگشت؛ رفتاری که به‌خوبی نشان می‌دهد بازار در وضعیت انتظار و واکنش سریع قرار گرفته است.

این الگو در اقتصادهای گرفتار نااطمینانی مزمن، پدیده‌ای آشناست. معامله‌گران در چنین شرایطی نه فقط بر اساس نیاز واقعی، بلکه بر مبنای پیشگیری از ریسک‌های آینده تصمیم می‌گیرند. نتیجه آن، شکل‌گیری تقاضای احتیاطی است؛ تقاضایی که در ظاهر ممکن است از جنس خرید عادی ارز باشد، اما در باطن ریشه در نگرانی از آینده و ترس از جاماندن از موج بعدی نرخ دارد.



## مقاومت ۱۹۰ هزار تومان

در میان اعداد و ارقامی که این روزها دست‌به‌دست می‌شود، سطح ۱۹۰ هزار تومان جایگاهی فراتر از یک مقاومت ساده تکنیکال پیدا کرده است. این سطح اکنون به یک مرز روانی-معاملاتی تبدیل شده؛ جایی که عبور و تثبیت بالای آن می‌تواند انتظارات جدیدی را در بازار فعال کند. دلیل اهمیت این سطح آن است که ورود پایدار دلار به بالای ۱۹۰ هزار تومان، از دید بسیاری از معامله‌گران به‌معنای پذیرش یک پله قیمتی جدید و آماده‌شدن بازار برای آزمون سطوح ۱۹۵ هزار تومان و سپس کریدور ۲۰۰ هزار تومانی خواهد بود.

در مقابل، محدوده ۱۸۴ تا ۱۸۶ هزار تومان به‌عنوان حمایت کوتاه‌مدت مطرح است. اگر دلار به زیر این ناحیه برگردد و در آن تثبیت شود، می‌توان از کاهش نسبی التهاب و بازگشت بازار به فاز تنفس کوتاه‌مدت سخن گفت. اما مسئله اینجاست که بازار ارز در شرایط فعلی، بیش از آنکه تابع منطق کلاسیک تکنیکال باشد، به اخبار و انتظارات واکنش نشان می‌دهد. به همین دلیل، سطوح حمایتی و مقاومتی نیز بدون پشتوانه خبر، شکننده‌تر از همیشه‌اند.



## از ۸۱ هزار تا ۱۷۹ هزار تومان؛ مسیر تند صعود

اگر سه نقطه قیمتی ارائه‌شده را کنار هم بگذاریم، ابعاد تغییرات بازار ارز روشن‌تر می‌شود. دلار در ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۴ روی ۸۱ هزار و ۳۲۰ تومان قرار داشت. این رقم در اسفند ۱۴۰۴ به ۱۳۶ هزار و ۲۵۰ تومان رسید و در ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۵ به ۱۷۹ هزار و ۵۰۰ تومان صعود کرد. به بیان ساده، دلار در کمتر از یک سال، بیش از ۲ برابر شده است.

این حرکت صرفاً یک رشد عددی نیست؛ بلکه نشانه‌ای از جابه‌جایی انتظارات در سطح کلان اقتصاد است. بازار در حال ارسال این پیام است که ریسک‌های اقتصاد ایران در نگاه بازیگران آن نه‌تنها کاهش نیافته، بلکه با شتاب بیشتری در حال قیمت‌گذاری است. هر چه فاصله نرخ‌های کنونی با سطوح پیشین بیشتر می‌شود، این گزاره نیز تقویت می‌شود که بازار، تورم آینده و نااطمینانی‌های سیاسی و تجاری را زودتر از آمارهای رسمی در خود منعکس می‌کند.

تنگه هرگز  
متغیر ژئوپلیتیک در قلب بازار ارز

آنچه در روزهای اخیر به بازار ارز شوک روانی وارد کرده، نه فقط وضعیت داخلی، بلکه اثرگذاری مستقیم اخبار منطقه‌ای بر ذهنیت معامله‌گران است. تنگه هرگز، به‌عنوان یکی از حساس‌ترین گذرگاه‌های انرژی و تجارت جهان، در حافظه بازار ایران همواره یک نقطه هشدار بوده است. هرگونه خبر از درگیری، ناامنی یا اختلال احتمالی در این منطقه، به‌سرعت از کانال تحلیل اقتصادی به کانال نگرانی عمومی وارد می‌شود و خود را در نرخ ارز نشان می‌دهد.

بازار از این زاویه، تنها به رخداد بالفعل نگاه نمی‌کند؛ بلکه سناریوهای بدبینانه را نیز پیش‌خور می‌کند. یعنی حتی اگر هنوز اختلالی در تجارت یا عرضه واقعی ایجاد نشده باشد، احتمال گسترش تنش برای معامله‌گران کافی است تا بخشی از سرمایه خود را به سمت دارایی‌های امن‌تر یا نقدشونده‌تر هدایت کنند. در اقتصاد ایران، دلار همچنان مهم‌ترین پناهگاه روانی سرمایه‌های کوچک و متوسط در زمان افزایش ریسک به‌شمار می‌رود.

## دو سناریوی پیش‌روی دلار

برای مسیر کوتاه‌مدت بازار ارز می‌توان دو سناریوی عمده در نظر گرفت. سناریوی نخست، فروکش کردن تنش‌های خبری و ارسال سیگنال‌های آرامش‌بخش به بازار است. در این حالت، احتمال نوسان دلار در محدوده ۱۸۵ تا ۱۸۸ هزار تومان افزایش می‌یابد و حتی اصلاح محدود تا سطوح حمایتی نیز دور از ذهن نخواهد بود. این سناریو مستلزم آن است که بازار، دست‌کم برای چند روز، از شوک خبری تازه در امان بماند و عرضه نیز در سطح قابل قبول حفظ شود.

سناریوی دوم، تداوم یا تشدید فضای منفی است. در این وضعیت، سطح ۱۹۰ هزار تومان به‌عنوان دروازه ورود به فاز تازه‌ای از رشد عمل می‌کند. عبور از این سطح، اگر با حجم معاملات بالاتر و تداوم تقاضای احتیاطی همراه شود، می‌تواند نرخ را به سمت ۱۹۵ هزار تومان و سپس مرز ۲۰۰ هزار تومان سوق دهد. در واقع، بازار اکنون در موقعیتی قرار دارد که «خبر» می‌تواند به‌تنهایی نقش ماشه را ایفا کند.

## چرا دلار توافقی هم شتاب گرفته است؟

یکی از نکات معنادار تحولات اخیر، رشد هم‌زمان نرخ دلار آزاد و دلار توافقی است. اگرچه سرعت رشد این دو یکسان نیست، اما هم‌جهت بودن آنها اهمیت زیادی دارد. دلار توافقی از ابتدای سال ۱۴۰۵ حدود ۴.۵۱ درصد رشد کرده و به محدوده ۱۴۳ هزار تومان رسیده است. این در حالی است که بازار آزاد در همین بازه رشد بسیار تندتری را تجربه کرده است.

این تفاوت از یک‌سو نشان‌دهنده تلاش سیاست‌گذار برای کنترل نوسان در بازار رسمی‌تر ارز است و از سوی دیگر حکایت از آن دارد که فشار انتظارات، حتی به بازارهای مدیریت‌شده‌تر نیز نفوذ کرده است. وقتی شکاف میان نرخ آزاد و توافقی افزایش پیدا می‌کند، معمولاً دو پیام به بازار مخابره می‌شود: نخست آنکه نرخ آزاد همچنان محل اصلی کشف انتظارات است؛ دوم آنکه بازار رسمی نیز ناچار است با فاصله‌ای مشخص، بخشی از این انتظارات را جذب کند.

## سخن پایانی

بازار ارز در میانه اردیبهشت ۱۴۰۵ در وضعیتی ایستاده که نمی‌توان آن را صرفاً با منطق نوسان روزانه توضیح داد. دلار امروز در نقطه‌ای قرار گرفته که هم محصول رشد انتظارات تورمی است، هم بازتاب نااطمینانی‌های سیاسی و منطقه‌ای، و هم نشانه‌ای از حساسیت بی‌سابقه بازار به اخبار. از ۸۱ هزار تومان در اردیبهشت ۱۴۰۴ تا ۱۷۹ هزار و ۵۰۰ تومان در امروز، مسیر نرخ تنها یک صعود ساده نبوده، بلکه روایت فشرده‌ای از اقتصاد مضطرب، سرمایه‌نگران و بازاری است که بیش از هر چیز به افق آینده چشم دوخته است.

در کوتاه‌مدت، همه‌چیز به این بستگی دارد که کدام نیرو دست بالا را پیدا کند: آرامش خبری و اصلاح محدود یا تشدید تنش و جهش دوباره قیمت. اگر فضای خبری آرام شود، دلار می‌تواند در محدوده‌های فعلی تثبیت شود و حتی اندکی عقب‌نشینی کند. اما اگر نااطمینانی منطقه‌ای تداوم یابد و مقاومت ۱۹۰ هزار تومان شکسته شود، بازار احتمالاً وارد فاز تازه‌ای از انتظارات صعودی خواهد شد.

آنچه مسلم است این است که بازار ارز بیش از هر زمان دیگری از می‌کند و تا زمانی که افق نااطمینان روشن‌تر نشود، دلار همچنان در مرز اضطراب باقی خواهد ماند؛ مرزی که در آن هر شایعه می‌تواند نرخ و هر تنش، آینده بازار را بازنویسی کند.



## بازار بیش از کمبود ارز، از کمبود اطمینان رنج می‌برد

یکی از خطاهای رایج در خوانش بازار ارز آن است که همه‌چیز به عرضه فیزیکی دلار تقلیل داده شود. حال آنکه تجربه ماه‌های اخیر نشان می‌دهد آنچه بازار را ملتهب می‌کند، الزاماً کمبود فوری ارز نیست، بلکه کمبود اطمینان است. وقتی چشم‌انداز سیاست خارجی، ثبات منطقه‌ای، مسیر تجارت و کیفیت مداخله سیاست‌گذار روشن نباشد، بازار برای هر واحد خبر منفی واکنشی چندبرابری نشان می‌دهد. به بیان دیگر، نرخ دلار اکنون فقط حاصل محاسبات اقتصادی نیست، بلکه بازتاب نرخ‌گذاری بر ترس، تردید و بی‌ثباتی انتظاری نیز هست. به همین علت است که حتی در روزهایی که نشانه‌ای از برهم‌خوردن شدید توازن عرضه و تقاضا مشاهده نمی‌شود، دلار می‌تواند در سطوح بالا باقی بماند یا با یک جرقه خبری دوباره اوج بگیرد.

